

## گاچو؛ گهواره سنتی سیرجان

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۳/۲)

مهری مؤید محسنی<sup>۱</sup>

### چکیده

در گذشته گهواره یکی از ملزومات ضروری کودکان بود. تنوع کاری مادران در خانه و اشتغال طولانی مدت آنان از سویی و نیاز به قرار دادن کودکان در محلی امن و آرام، وجود این وسیله را در خانه‌ها ضروری می‌ساخت. این گهواره‌ها که بعد از آغوش مادر، آرام‌ترین و امن‌ترین جایگاه برای کودکان محسوب می‌شد، در نقاط مختلف نام‌های متفاوتی داشت. در سیرجان به این گهواره سنتی، گاچو می‌گفتند که از جایگاه خاصی هم برخوردار بود. ساخت گهواره و نحوه استفاده از آن و نگهداری آن پس از بزرگ شدن کودک نیز در میان خانواده‌ها، آداب و سنن خاصی داشت. فرایند ساخت گاچو، معمولاً به استطاعت مالی خانواده‌ها بستگی داشت و جنس و مرغوبیت آن را تعیین می‌کرد.

در این نوشتار که داده‌های آن به روش مشاهده مشارکتی و پژوهش میدانی گردآوری شده، به نحوه ساخت گاچو، باورها و ادبیات شفاهی پیرامون آن اشاره شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد برگزاری مراسم گاجوبندون به‌طور مفصل برای فرزند اول و در دهمین روز تولد انجام می‌گرفته، هرچند برای فرزندان دیگر هم این مراسم برپا می‌شده است. دیگر آنکه بین نوزاد و گاچو ارتباط و وابستگی عاطفی وجود داشته است. امروزه گاجوهای فرسوده با از دست دادن کاربری، جنبه تزئینی یافته‌اند.

کلیدواژه‌ها: گهواره، گاچو، گاجوبندون، فرهنگ مردم سیرجان، ادبیات شفاهی سیرجان.

## مقدمه

گاچو گویش محلی گهواره سنتی و یکی از ضروریات منزل و اقلام اصلی سیسمونی است که امروزه نام و نشانی از آن نمی‌توان یافت. این بستر آرام کودکانه طبق آداب و سنن گذشتگان تهیه می‌شد و به گونه‌ای از آن مراقبت به عمل می‌آمد که سال‌ها می‌ماند و نسل‌هایی را در آغوش می‌گرفت. نصب یا در اصطلاح انداختن گاچو در دهمین روز تولد نوزاد، مراسمی داشت که به کلی منسوخ شده است. قدیمی‌ها گاچو را مادر دوم می‌خواندند و آن را بعد از آغوش مادر، آرام‌ترین و امن‌ترین پایگاه نوزاد می‌دانستند و بر این باور بودند که بین گاچو و نوزاد ارتباطی عاطفی وجود دارد. با توجه به اینکه تهیه سیسمونی نخستین زایمان به عهده مادر زن باردار بود، زحمت و هزینه این وسیله را هم او بر عهده داشت که می‌بایست دو ماه قبل از زایمان، آن را مهیا می‌کرد و طبق آداب و سنن پیشینیان همراه با سایر تدارکات به منزل دختر حامله‌اش می‌فرستاد. داده‌های این نوشتار با بهره‌گیری از مشاهده مشارکتی و پژوهش میدانی نگارنده جمع‌آوری شده است. در این نوشتار، ضمن تعریف واژه گاچو، به جایگاه آن در خانواده و عقاید و باورهای قدیمی‌ها در مورد این استراحتگاه کودکانه، همچنین کنایات، ضرب‌المثل‌ها و لالایی‌هایی که به گونه‌ای به گاچو مرتبط هستند، اشاره شده است. ضمن اینکه به مراسم نصب این گهواره سنتی، باور به تاثیر آن در خواباندن نوزاد و توصیف این وسیله پرداخته شده است.

## گاچو، گاج دادن

گاچو گویش سیرجانی گهواره سنتی است؛ جایگاه خوابی برای نوزادان و کودکان که اکثر ساعات شبانه‌روز را در آن می‌گذرانند. مردم بعضی شهرهای استان کرمان و شهرستان‌های ایران به گاچو، ننی یا ننو می‌گویند و ننو همان گویش کرمانی ننه و مادر است؛ پس وجه اشتراک مادر و گاچو آرامش و امنیتی است که نوزاد آن را حس می‌کند و لذت می‌برد. در سیرجان افزودن واو به آخر بعضی اسم‌ها متداول و معمول است و

## گاچو؛ گهواره سنتی سیرجان ❖ ۱۸۱

معانی خاصی به واژه می‌دهد؛ این معنی را از نحوه گفتار و ادای کلمه به‌خوبی می‌توان دریافت.<sup>۱</sup> با توضیحاتی که داده شد، واو در آخر کلمه گاچو علامت تصغیر نیست، چرا که این وسیله به مراتب از گاچ بزرگ‌تر، مجهزتر و حتی وسیع‌تر است. بنابراین گاچو را گاچ کوچک نمی‌توان معنی کرد، اما می‌توان از آن به عنوان یک جایگاه بچگانه یک بستر معصومانه یا یک وسیله ضروری و سستی که با عشق و علاقه بسیار تهیه می‌شود، نام برد.

گاچ دادن یعنی به حرکت درآوردن تاب از سوی شخص یا اشخاصی که مشغول این بازی هستند. گاچ خوردن بدین معنی است که شخص روی تاب بنشیند و دیگران تاب را به حرکت درآورند و او با حرکات ملایم یا سریع تاب، بین زمین و هوا به جلو و عقب رانده شود و از بازی لذت ببرد. سیرجانی‌ها به گاچ، باد هم می‌گویند، بنابراین باد بستن، باد دادن و باد خوردن، همان معانی بالا را می‌دهد.

با توجه به جایگاه گاچو در میان خانواده‌ها، بیجا نیست که این وسیله ضروری را به گونه‌ای معنی کنیم که واو علامت محبت و عشق باشد، نه تصغیر و کوچک شمردن که در این صورت گاچو این گونه معنی می‌شود: جایگاهی متحرک و تاب مانند برای خواباندن عزیز دوست داشتنی و کوچک.

گاچو در بین سیرجانی‌های قدیم از جایگاه خاصی برخوردار بود و از جمله وسایلی به شمار می‌رفت که سال‌های سال می‌ماند و به دلیل اعتقادات و باورهای خاص از خانه بیرون برده نمی‌شد، مورد خرید و فروش قرار نمی‌گرفت و همچنان در انبار خانه می‌ماند تا کهنه و غیر قابل استفاده می‌شد، هر چند که خانم‌های باسلیقه برای نگهداری این بستر اولیه فرزندان‌شان نهایت سعی را مبذول می‌داشتند تا از آن مراقبت کنند و نسل به نسل آن را منتقل سازند، اما باز هم عواملی چون رطوبت، حشرات و گذر زمان ضرر و زیان‌هایی به آن می‌رساند که روح و عواطف مادران را جریحه‌دار

۱. در اینجا به چند نمونه اشاره می‌شود: ۱. چغوتو پرید؛ یعنی آن گنجشکی که دیدی پرواز کرد. پس واو در اینجا علامت معرفه تصغیر و تحبیب است ۲. چه چغوتو عزیزویی؛ چه گنجشک نازی. واو نشانه تحبیب و تصغیر است ۳. مردکو اومد؛ مردک آمد. نشانه تحقیر است. ۴. در آخر اسامی خاص نیز واوی می‌افزایند که ممکن است تحقیر یا تصغیر و شاید هم تحبیب باشد مثل حمیدو، مهنیو. این واو بعضی اوقات او تلفظ می‌شود که در این صورت اسم را منادا می‌کند؛ مثل احمدو یعنی ای احمد.

## ۱۸۲ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

می‌کرد، در این مرحله چاره‌ای نبود جز اینکه قسمت‌هایی از آن را که از آسیب در امان مانده بود، به صورت تابلو درآورند و بر دیوار خانه آویزان کنند تا در انظار بماند و از خاطرات محو نشود.

### فرایند ساخت گهواره سنتی سیرجانی

در سیرجان تهیه سیسمونی نخستین زایمان دختران را مادران بر عهده داشتند و دارند و از آنجا که گاجو از اقلام اصلی سیسمونی به شمار می‌رفت، بنابراین قبل از هر چیز نسبت به آماده‌سازی این وسیله ضروری اقدام می‌شد. خانواده‌ها برای تهیه فرش گاجو از بهترین و مرغوب‌ترین نخ با زیباترین نقشه استفاده می‌کردند و وسایل را در اختیار زنان و دختران هنرمند قالیباف قرار می‌دادند تا کوش<sup>۱</sup> گاجو را در ابعادی معین و مشخص (۹۰ × ۶۰) ببافند.

### تصویر ۱. گاجوی فرش بافت ویژه متمولین



(منبع: نگارنده)

۱. کوش در گویش مردم این دیار به معنای دامان، کف، قسمت جلوی چادر و دامن و پیراهن زنانه است. به مواردی از استفاده از این واژه اشاره می‌شود: ۱. بچه نشسته تو کوشم ۲. کوش کمو (یعنی سطح و کف غربال) ۳. کوش گاجو: سطح و قسمت اصلی گاجو ۴. کوش چادر: دولایه جلوی چادر که آویزان است و گاه در آنها مانند بقچه و دستمال اجناس و وسایلی می‌ریزند و حمل می‌کنند ۵. کوش پیرن: قسمت جلوی پیراهن.

## گاچو؛ گهواره سنتی سیرجان ❖ ۱۸۳

گاچو از وسایل پرهزینه سیسمونی بود، پس خانواده‌ها به نسبت استطاعت مالی اقدام به تهیه این وسیله می‌کردند که گران‌ترین، نفیس‌ترین و در نهایت امن‌ترین آنها گاچویی بود که با کوش قالی تهیه می‌شد؛ آن هم طبق آداب و سنت و سیلقه شخصی. سنت این بود که مادر قبل از خرید ریس و پشم قالی، مبلغی پول یا پیمان‌های برنج، گندم و جو صدقه می‌داد و سپس مواد اولیه را همراه با یک کله‌قند به خانه یا محل کار قالیباف می‌برد. قالیباف با خوشرویی از مشتری استقبال می‌کرد و هدیه و شیرینی‌اش را می‌گرفت و تا حد امکان از او با یک خوراکی مناسب که مزه‌ای شیرین داشت، پذیرایی می‌کرد. مشتری بعد از شیرین کردن دهانش با حبه‌ای قند یا کپه‌ای قوتو<sup>۱</sup> یا کُفتی<sup>۲</sup> شربت، نقشه مورد نظرش را به قالیباف ارائه می‌داد و از او می‌خواست در روزی خوش و ساعتی مبارک بافت قالی گاچو را شروع کند و حتماً قبل از شروع، دعا بخواند و صلوات بفرستد. همچنین به او اصرار می‌کرد که در حین بافت گاچو صحبت ناخوشایند نکند، از دردها و گرفتاری‌هایش ننالد، شرمه<sup>۳</sup> غمگین نخواند و بر مصیبتی اشک نریزد که شگون ندارد و قالیباف که زن یا دختر متعهد و معتقدی بود، به مشتری اطمینان می‌داد که به خواسته‌هایش عمل می‌کند و هر چه زودتر سفارش را تحویل می‌دهد. بافنده طبق قول خود عمل می‌کرد؛ یعنی در موقعیتی مناسب و ساعتی خوش، قالی را دار می‌کرد، آن هم با دعا و ذکر صلوات بر محمد و آل محمد. سپس دهانش را شیرین می‌کرد و پشت دار می‌نشست. بی‌تردید چنین افرادی در حین انجام کار ترانه‌هایی می‌خواندند که این ترانه‌ها را شرمه یا غریبی می‌گفتند که با آهنگی دلنشین خوانده می‌شد. زن بافنده در چنین موقعیتی شرمه‌هایی می‌خواند که در اصطلاح از روی عشق باشند، نه یأس و ناامیدی. همچنین بسیار شنیده می‌شد که قالیبافان در حین انجام کار برای صاحب جنس شرمه‌هایی می‌خواندند که جنبه دعایی داشت:

۱. qovatu: فوتو تنقل و خوراکی سنتی این دیار است.

۲. kofti: جرعه‌ای

۳. شرمه (šarmeh) یا شروه (šarveh) به دوبیتی‌هایی گفته می‌شود که با آواز و اغلب در مایه دشتی خوانده می‌شود.

## ۱۸۴ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

سواری از نجف می‌ره مدینه	همه می‌گن امیرالمؤمنینه
امیرالمؤمنین مولای قنبر	مرادش را بده جون پیغمبر
سر کوه بلند الماس الماس	خداوندا به حق خضر و الیاس
مرادش را بده که وایه داره <sup>۱</sup>	به شیرخوار حسین و جون عباس

پس از بافت کوش گاچو نوبت به حاشیه‌دوزی آن می‌رسید که این کار نیز از سوی متخصصین و افراد ماهر انجام می‌گرفت. بنابراین مشتری نزد شخصی می‌رفت که در چرم‌دوزی مهارت داشت. چرم‌دوزها که عموماً مرد بودند، در مغازه‌هایی واقع در بازار یا کاروانسرا به کسب می‌پرداختند و همه کارهای دوخت را با دست انجام می‌دادند و گاه با ذوق و سلیقه خود، نقش و نگارهایی بر حاشیه گاچو می‌انداختند و تسمه‌ها و حلقه‌های گاچو را چنان زیبا می‌دوختند که مشتری متعجب می‌شد. دوخت حاشیه قالی همچنین تسمه‌هایی که در چهار طرف آن تعبیه می‌شد، به زمان مناسب نیاز داشت که باید در اختیار دوزنده قرار می‌گرفت. آسترکشی گاچو به‌ندرت انجام می‌گرفت، اما قرار دادن پارچه‌هایی به نام مشمع<sup>۲</sup> در سطح گاچو ضروری بود. مشمع‌ها به طریقه سنتی و از سوی خانم‌ها آماده می‌شدند و از آنها علاوه بر گاچو در بستر بیماران و زائوها هم استفاده می‌شد. برای آماده کردن مشمع، پارچه‌ای نخی را در ابعاد مناسب تهیه می‌کردند و دو لایه می‌دوختند. پارچه را روی حرارت ملایم گرم می‌کردند و سپس قطعات موم را بر سطح آن می‌کشیدند؛ به گونه‌ای که موم تمامی منافذ پارچه را بگیرد. این عمل بر دو طرف پارچه انجام می‌شد و در نتیجه آب به هیچ عنوان از آن عبور نمی‌کرد. بعد از این نوبت به تهیه چوب گاچو می‌رسید که این کار هم از سوی نجاران انجام می‌شد و برخی از مردان کولی هم آنها را خراطی می‌کردند و رنگ و لعاب می‌دادند. معمولاً چوب گاچو از بهترین و مرغوب‌ترین نوع انتخاب می‌شد و استاد چوب‌تراش نیز برای هر چه ظریف‌تر و قشنگ‌تر ساختن آن

۱. آرزو داره

۲. مشمع

## گاچو؛ گهواره سنتی سیرجان ❖ ۱۸۵

نهایت سعی خود را به کار می‌گرفت و گاهی اوقات نقش و نگارها و کنده‌کاری‌هایی بر روی چوب‌ها به وجود می‌آورد که بیانگر ذوق و سلیقه‌اش بود.

که گهوارت چوق <sup>۱</sup> صندل	لِلالالا مِلوس مَلَمَل
بسازم تخت مارواری <sup>۲</sup>	اگر بخت کنه یاری
که گهواره گِرون باره	لِلالالای گهواره
دو تا چوقِ طلا داره	دو من ابریشم هفت رنگ

البته ساخت چوب گاچو زمانی شروع می‌شد که مشتری کوش گاچو را از چرم‌دوز تحویل می‌گرفت و نزد چوب‌ساز می‌برد تا دقیقاً اندازه‌گیری کند و سپس دست به کار شود که این عمل نیز به زمانی بیش از یک هفته نیاز داشت تا چوبی خوش‌تراش، خوش‌رنگ و در نهایت صاف و براق مهیا شود. پس از آماده شدن چوب، نوبت به تهیه طناب می‌رسید که حتماً پنبه‌ای سفید بود. در این مرحله می‌بایست گاچو طناب‌کشی شود که این کار نیز از سوی شخصی انجام می‌گرفت که در این کار تبحر داشت. او می‌بایست چوب‌ها را از درون تسمه‌هایی که در قسمت بالا و پایین کوش گاچو دوخته شده بودند، عبور دهد و سپس طناب را که پیشتر اندازه‌گیری کرده بود، از تسمه‌های سمت راست و چپ گاچو بگذراند و در انتها به دو گیره محکم آهنی به نام چنگک گره بزند. به وسیله این چنگک‌ها، گاچو به دو حلقه آهنی که پیشتر در دو دیوار روبه‌رو نصب شده بود، آویزان می‌شد. به این حلقه‌ها تخته حلقه می‌گفتند؛ چرا که در قسمت زیرین آنها تخته‌ای قطور به ابعاد ۱۰×۵ و قطر ۵ سانتیمتر وجود داشت که کار تعبیه این حلقه‌ها را در دیوار آسان می‌کرد. روشن است که در زمان نصب تخته حلقه قسمت تحتانی آن در دیوار جای می‌گرفت و روی آن با مصالح ساختمانی پوشانده می‌شد، به گونه‌ای که فقط حلقه فلزی نمایان بود و اثری از تخته به چشم نمی‌خورد. تخته حلقه از ضروریات یک ساختمان به شمار می‌رفت و در اکثر اتاق‌ها اعم از زمستانی و

۱. چوب

۲. مروارید

## ۱۸۶ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

تابستانی نصب می‌شد و چه بسا خانواده‌هایی که در هنگام خرید یا اجاره منزل متوجه نبود تخته حلقه می‌شدند و از صاحبخانه می‌خواستند که هر چه زودتر نسبت به تعبیه این وسیله ضروری اقدام کند؛ چرا که اتاق بدون تخته حلقه برای خانواده‌ها بویژه بچه‌دارها مناسب نبود و به نوعی مشکل‌ساز می‌شد. هنوز هم در بعضی منازل مسکونی قدیمی تخته حلقه‌هایی بر دیوارها نصب است، اما مانند سابق کاربری ندارند.

### زمان تولد و بچه‌داری

انتظار تولد فرزند در میان خانواده‌ها بسیار شیرین است و این عشق برای مادران و مادر بزرگ‌ها بسی شیرین‌تر. عشق مادر بزرگ به نوه، مادر به فرزند و به طور کلی علاقه همه اعضای خانواده به تازه‌واردی که ندیده دوستش دارند و انتظار ورودش را می‌کشند تا او را در این بستر امن و راحت بخوابانند و برایش لالایی سر دهند.

لـلـلـلـلـا گـلـی دـارم	بـه گـاچـو بـلـبـلی دـارم
بـه گـاچـو بـلـبـل بـاغـی	کـه از گـل بـهـتـری دـارم
لـلـلـلـلـا گـل سـوسـن	سـرت پـیش آر لـبت بـوسـم
لـبت بـوسـم کـه بـو دـاره	کـه بـا گـل گـفـتـگـو دـاره

لـلـلـلـلـا گـلـم بـاشـی	بـزرگ شـی از سـرم و ا شـی
بـزرگ شـی تـا بـری بـازی	دـل مـادر بـشـه راضـی

لـلـلـلـلـا گـلـسـتـونـم	چـراغ تـو شـیـسـتـونـم
مـن از دـستـت نـمی‌نـالم	حـلالـت شـیر پـسـتـونـم

لـلـلـلـلـای لـلـسـتـون	هـوا گـرم اسـت و تـابـستـون
بـرو بـابـاش بـه بـازارچـه	بـرا رـودم (طـفـلم) کـتون بـستـون



### گاجو؛ گهواره سنتی سیرجان ❖ ۱۸۷

بابات رفته نگیر بونه	للالالای دُردوننه
نماز شوم میا خونه	بابات رفته دکون (دکان) داری
بشینم پای گهواره	للالالا خودم تایه (دایه)
خدا رودم (طفلم) نگهداره	که گهواره طلا کاره

از جمله وظایف مادرِ زنِ حامله این بود و هست که در اواخر ششمین ماه حاملگی سیسمونی کاملی تهیه کند و طبق آیین و سنت گذشتگان به منزل دخترش بفرستد. این سیسمونی شامل رختو، لافو<sup>۱</sup>، گاجو، شیرینی، قهوه قُوتو، آجیل و یک دست کامل لباس برای زن حامله بود. لباس مذکور نیز همراه با همه لباس‌های نوزاد طی مراسم خاص و مجالس جشن و شادی از سوی خیاط خانوادگی دوخته می‌شد و همراه با لافویی که آن هم کار دست لحاف‌دوز خانواده بود، در روزی معین و ساعتی خوش به منزل زن حامله فرستاده می‌شد. رختو به معنای لباس کوچک و به طور کلی پوشاک اولیه نوزاد است که به نسبت وضعیت مالی خانواده‌ها تهیه می‌شد و چه بسا مادر بزرگ‌هایی که چندین و چند دست لباس دخترانه و پسرانه در سایزهای مختلف تهیه می‌کردند، به گونه‌ای که نوزاد از بدو تولد تا یکی - دو سالگی نیازی به لباس جدید نداشت. گفتنی است مراسم رخت‌برون و انتقال سیسمونی از منزل مادر طبق آداب و سنت برگزار می‌شد که متأسفانه امروزه خبری از آنها نیست. از جمله اقلام سیسمونی، گاجو بود؛ همو که سیرجانی‌های قدیم به آن «مادر دوم» می‌گفتند و در حفظ و نگهداری‌اش سعی بسیار می‌شد تا بماند و همه بچه‌های خانواده را در کوش خود جای دهد و با حرکات ملایم و یکنواختش خواب آرام را به آنان هدیه کند. قدیمی‌ها مراقبت از گاجو را سنت می‌دانستند و این وسیله همواره در زایمان‌های بعدی دیده می‌شد و سپس برای انتقال به نسل‌های آینده در جای مناسب نگهداری می‌شد تا به موقع به خانه‌ای جدید برود و نسل تازه‌ای را در

۱. یک دست رختخواب کامل و کوچک

## ۱۸۸ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

آغوش بگیرد و چه بسا گاجویی که قدمتی یک تا یک و نیم قرن داشت و باز هم خانه به خانه می‌گشت تا نوزادان را مادر و مادران را یاور باشد؛ چرا که اگر نبود بچه به خواب خوش و سنگین فرو نمی‌رفت و مادر از کارهایش باز می‌ماند. البته وابستگی بچه به گاجو نیز در بعضی موارد برای خانواده مشکل به وجود می‌آورد و آنان را از حضور در میهمانی‌ها و مسافرت‌ها بازمی‌داشت و گاهی مجبورشان می‌ساخت تا در مجلس یا معبری او را در ملحفه یا پارچه‌ای بخوابانند و دو طرفش را بگیرند و تکان دهند در گذشته وقتی مادری از ناآرامی فرزندش گلایه می‌کرد، بزرگترها می‌گفتند: مگر گاجو نداری؟ گاجوئیش کن از هفت بلا آزاد می‌شی. مادرانی هم که از برکت گاجو به کار و زندگی‌شان می‌رسیدند، چنین می‌گفتند: بچه‌داری که کاری نداره از سِرِ صاب می‌ندازمِش تو گاجو و بادی می‌دم وَر قِنگِش تا دِمِ ظار می‌خوابه و مَنگِش در نمی‌شه<sup>۱</sup>.

اصطلاح گاجویی شده، بدین معناست که بچه به این بستر آرام عادت کرده است و بدون آن آرام و قرار ندارد، اما این عادت می‌بایست قبل از دو سالگی ترک داده شود. در این مرحله سنی، بزرگ‌ترها گاجو را برای خواباندن بچه ناامن می‌دانستند؛ چرا که امکان داشت بچه در نبود مادر یا بزرگ‌تر دیگری، از درون گاجو خودش را به پایین بیندازد و به قول قدیمی‌ها شیردونی شود<sup>۲</sup> یا به اعضای بدنش لطمه‌ای برسد. بنابراین گاجو جمع می‌شد اما خاطره‌اش در ذهن کودک می‌ماند و آغوش گرم و خواب شیرینش را هرگز فراموش نمی‌کرد، بویژه خوابی که با نوای لالایی‌های گوش‌نواز مادر او را فرا می‌گرفت و به دنیای دیگر می‌برد.

لِـلـالـایِ گَـهـوـاره      که گَـهـوـاره گِـرون بـاره  
بـه حـق سـوره یـاسـین      خـدا رـودم<sup>۳</sup> نـگـه دـاره

۱. از ابتدای روز در گاجو می‌خوابانمش و گاجو را به حرکت درمی‌آورم و او هم تا ظهر به خواب می‌رود و صدایش بلند نمی‌شود.

۲. ضربه مغزی شود، شیردون در گویش سیرجانی، ملاح و قسمت جلوی سر است.

۳. طفلم

## گاجو؛ گهواره سنتی سیرجان ❖ ۱۸۹

لِلالا لُگلِ پیچو<sup>۱</sup>      برو پشو<sup>۲</sup> برو کچو<sup>۳</sup>  
 برو لولو جهندم شو      که رودم خوابه تو گاجو

قدیمی‌ها استفاده از گاجو را در روزهای اولیه تولد به مدت ده روز برای نوزاد مناسب نمی‌دیدند، چرا که به قول آنها بچه آب نبسته و با حرکت گاجو استغوناش ور هم می‌ریزه<sup>۴</sup>. بنابراین ده روز صبر می‌کردند تا در اصطلاح بچه خودش را بگیرد و مقاوم شود و بعد او را در گاجو طبق روال گذشتگان و طی مراسمی به نام گاجوبندون می‌خواباندند.

### مراسم گاجوبندون

مقصود از گاجوبندون یکی از مراسم مربوط به زایمان است که تا چهل - پنجاه سال قبل برگزاری آن بسیار اهمیت داشت و می‌توان از آن به عنوان آیینی شاد و جشنی زنانه نام برد. مراسم گاجوبندون در دهمین روز تولد نخستین فرزند خانواده برگزار می‌شد و فرزندان بعدی چنین آیینی را نداشتند، هر چند بعضی خانواده‌ها به اصطلاح دو چشم یکی نگاه نمی‌کردن و استثنا نمی‌گذاشتند و برای تمامی فرزندان گاجوبندون می‌گرفتند، اما به قول قدیمی‌ها، گاجوبندون فقط برای بچه بار اول لطف داره، بویژه نوزاد پسر. برای مراسم در روز دهم زایمان، ابتدا نوزاد را در منزل حمام می‌کردند و سپس زائو را با تشریفات خاص به حمام می‌بردند. پس از بازگشت زائو و همراهان و صرف ناهار، بزرگ‌ترهای خانواده همچون مادربزرگ‌ها، عمه، خاله گاجو را می‌آوردند و با ذکر صلوات بر محمد و آل محمد(ص) و همچنین دعاهایی برای نوزاد از خداوند متعال سلامت و طول عمر و شادکامی خانواده و خانواده‌های وابسته را می‌خواستند:

۱. نیلوفر

۲. گربه

۳. سگ

۴. بچه مثل آب است که هنوز سفت نشده و هر حرکت ناهنجاری استخوان‌هایش را از هم می‌پاشاند.

## ۱۹۰ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

الهی دونه پر برکت بشه، الهی روش دیدین داغش نبینین<sup>۱</sup>، الهی زیر سایه پدر و مادر بزرگ بشه. بعد دو نفر از بزرگ‌ترها و نزدیکان در حالی که صلوات می‌فرستادند، چنگک‌ها را به حلقه آویزان می‌کردند و در اصطلاح گاچو را می‌بستند. بعد از بستن گاچو، نوبت به پهن کردن لافو یا همان رختخواب نوزاد می‌رسید که آن را نیز یکی - دو نفر از حاضران انجام می‌دادند. شایان ذکر است که در چنین مراسمی زنانی شرکت می‌کردند که در بین فامیل به خوش‌قدمی، خوش‌رویی و خوشبختی شهرت داشتند. بنابراین، حضور زنان داغدیده و نازا و اجاق کور در این مراسم و مجلس رخت‌پرون نوزاد شگون نداشت و تا حد امکان چنین افرادی در مجالس مذکور حضور نداشتند و اگر هم به دلیل قرابت و صمیمیت از آنها دعوت به عمل می‌آمد، نمی‌پذیرفتند و با آوردن عذر و بهانه‌های مختلف از حضور در مجلس خودداری می‌کردند. در کل، گاچو برای نخستین بار از سوی زنانی بسته می‌شد که همگی به خوش‌رویی، خوش‌قدمی، خوشبختی و باخدایی شهرت داشتند و وجودشان مایه خیر و برکت بود. این بانوان بعد از بستن گاچو و آماده کردن بستر می‌بایست از گاچو رفع قضا و بلا کنند و آن را با قرآن متبرک سازند و سپس بچه را بخوابانند.

یکی از وظایف مادر زائو این بود که صدقاتی برای روز گاچوبندون آماده کند. نوع و مقدار اجناسی که به این منظور تهیه می‌شد، بستگی به وضعیت مالی خانواده داشت. بنابراین گاه در مراسم گاچوبندون هفت کیسه یک چارکی<sup>۲</sup> (۷۵۰ گرمی) از اجناس مختلف دیده می‌شد و گاهی هم یک کیسه سی سنگی<sup>۳</sup> (۵ سیری) از مواد ارزان‌قیمت. چه بسا هم یک قرص نان یا سکه‌ای پول به عنوان صدقه در گاچو می‌گذاشتند و سنت را به‌جا می‌آوردند. به هر حال صدقه دادن در روز گاچوبندون حتمی بود و صدقات قبل از مراسم آماده می‌شدند تا پس از انداخته شدن گاچو، از نوزاد و گاچو قضا و بلا را رفع کنند.

۱. صاحب فرزندان زیادی شود رویش را دیده‌اید داغش را نبینید، زنده باشد.

۲. ۷۵۰ گرمی

۳. ۵ سیری

## گاچو؛ گهواره سنتی سیرجان ❖ ۱۹۱

در روز گاچوبندون، از بین حضار یک نفر کیسه‌های پر از اجناس صدقه را کنار گاچو می‌آورد تا یکی یکی در گاچو بگذارد و نوع جنس را معرفی کند انتخاب جنس و وزن آن بستگی به وسع و سلیقه شخصی داشت، بنابراین کیسه‌ها را از اجناسی مثل گندم، جو، برنج، حبوبات، گردو، پسته، بادام، شکر، قند، آرد پر می‌کردند و شخص دیگری آن سوی گاچو می‌نشست تا کیسه‌ها را از گاچو بردارد. اما خانمی که کیسه‌ها را در گاچو می‌گذاشت، می‌بایست پاسخگوی حاضرانی باشد که از او در مورد نوع جنس سؤال می‌کردند؛ برای مثال همین که کیسه برنج را در گاچو قرار می‌داد، حضاران همصدا می‌پرسیدند: چی به گاچو؟ و آن زن می‌گفت: برنج به گاچو. کیسه برنج لحظاتی در گاچو می‌ماند، آنگاه برداشته می‌شد و نوبت کیسه بعدی می‌رسید و سؤال و جواب ادامه داشت تا آخرین جنس هم معرفی شود، آنگاه نوبت به کیسه ارزن و قطعه‌ای آهن می‌رسید.

یکی دیگر از ضروریات مراسم گاچوبندون کیسه‌ای ارزن بود که معمولاً کوچک‌تر از کیسه‌های صدقات دوخته می‌شد. مادر بزرگ در دوختن دهانه کیسه ارزن سعی بسیار می‌کرد تا به راحتی باز نشود. مادر بزرگ یا یکی از زنان محترمه کیسه ارزن را در گاچو می‌گذاشتند. بدین ترتیب که آن بانو کیسه را برمی‌داشت و می‌گفت: خدایا به حق همین دونه‌های ناشمار<sup>۱</sup>، این بچه و پدر و مادرش را از هر خطری حفظ کن و به عمر و روزیشون برکت بده. آنگاه قطعه‌ای آهن و کیسه ارزن را زیر بالش نوزاد جای می‌داد و از خدا می‌خواست که بچه و مادرش را از شر موجوداتی چون آل، جن و مرغ سفید محافظت کند. قدیمی‌ها بر این باور بودند که نوزاد تا چهل روز در معرض خطر قرار دارد و هر آن ممکن است مرغ سفیدی بیاید و او را برآید، اما اگر قرآن و قطعه‌ای آهن و کیسه‌ای ارزن بالای سرش باشد، هرگز به او دسترسی پیدا نمی‌کند. آنان باور داشتند که مرغ با دیدن ارزن از بردن نوزاد منصرف می‌شود و تمام همش را به کار می‌گیرد تا کیسه ارزن را پاره کند و آن دانه‌های خوشمزه را بخورد. ولی از آنجا که دوخت کیسه

۱. دانه‌هایی که شمردنشان امکان‌پذیر نیست.

## ۱۹۲ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

از سوی مادر بزرگ صورت گرفته و بسیار محکم کاری شده است، در این کار هم موفق نمی‌شود و در نتیجه از نوزاد و ارزن صرف نظر می‌کند و با دست خالی برمی‌گردد. بعد از صدقه چرخاندن، نوبت متبرک کردن گاجو می‌رسید. در این مرحله، یکی از بزرگ‌ترها یا بانویی سیده و مورد احترام در حالی که قرآنی را که در پوشش چرم قرار داشت، به دست گرفته بود، به گاجو نزدیک می‌شد و یکی دو سوره کوچک از قرآن را می‌خواند و آنگاه دست به دعا برمی‌داشت:

خدایا به آیه آیه‌های قرآنت داغشِ نصیمون نکن.

زیر سایه پدر و مادر بزرگش کن.

به علی اصغر امام حسین (ع) ببخشش<sup>۱</sup>.

سیر عمر، سیر روزی سیر پدر و مادرش کن.

روش دیدیم داغشِ نبینیم.

به سی جزو کلام الله ببخشش	خداوندا به بسم الله ببخشش
به ارواح رسول الله ببخشش	به حق سوره یاسین و طه

در هنگام دعا جلسه حال و هوای خاصی داشت و حضار همگی رو به قبله می‌ایستادند و دست‌ها را بالا می‌گرفتند و آمین می‌گفتند و گاه تحت تأثیر دعا قطره‌ای اشک می‌ریختند و از صمیم قلب برای زائو و خانواده‌اش دعا می‌کردند. بعد از دعا و خواندن اشعار مناسب و فرستادن صلوات، قرآن در بالای بالش نوزاد قرار می‌گرفت و آنگاه دعاکننده می‌گفت: چی به گاجو؟ پاسخ می‌شنید: بادوم به گاجو، و او می‌گفت: نه نه قرآن به گاجو.

بعد از گذاشتن قرآن نوبت به خواباندن نوزاد می‌رسید که این کار هم از سوی فردی که نزدیک‌تر و قابل احترام‌تر بود، انجام می‌شد و شخص در حالی که نوزاد را در

۱. او را ببخش

### گاجو؛ گهواره سنتی سیرجان ❖ ۱۹۳

بغل داشت، به گاجو نزدیک می شد و با گفتن بسم الله و دعاهایی برای سلامت او و خانواده اش بچه را به آرامی می خواباند و رویش را می پوشاند سپس خطاب به حاضران می گفت: چی به گاجو؟ همه می گفتند: گردو به گاجو، بادوم به گاجو، پسته به گاجو، اما زن می گفت: نه نه قرآن به گاجو، بچه به گاجو، قرآن و بچه هر دو به گاجو و زنان همصدا می گفتند: قرآن و بچه هر دو به گاجو، ایشالا یکی یک دونه نشه، انار صد دونه بشه، ایشالا به سلامتی، ایشالا به تن درست، به دل خوش زیر سایه پدر و مادر.

در این مرحله گاجو را به ملایمت می جنباندند و یکی از حاضران که از صدای خوش بهره داشت، لالایی می خواند:

لالالای گلیم اومد      نبات پر هلم اومد  
الهی صد هزار شکر      به گاجو بلبلم اومد

لالالا خدای من      گلی دادی برای من  
هزار شکر به جا آرم      شده روشن سرای من

لالالا خدا یارت      علی یار و مدد کارت  
محمد ضامن جونت      کلام الله نگهدارت

لالالا تو را دارم      چرا از بی کسی نالم  
اگر دست از تو ور دارم      به مُردن می رسه کارم

لالالای آلاله      به خواب می ره گل لاله  
گل لاله گل نرگس      نیبم داغتِ هرگز

## ارتباط عاطفی بین گاجو و نوزاد

سیرجانی‌ها بر این باور بودند که بین نوزاد و گاجو ارتباط و وابستگی عاطفی وجود دارد؛ به گونه‌ای که احساس همدیگر را درک می‌کنند و دردشان را به یکدیگر منتقل می‌سازند. بر اساس این باور زمانی که گاجو خالی بود و نوزاد در آن قرار نداشت، هرگز آن را نمی‌جناباندند و در اصطلاح بادش نمی‌دادند، چرا که باور داشتند هر حرکت و تکانی، استراحت گاجو را به هم می‌زند و ناراحتش می‌کند و این ناراحتی به نوزاد انتقال می‌یابد و دلش را به درد می‌آورد. درخصوص این باور، قدیمی‌ها می‌گویند: تا زمانی که بچه در کوش<sup>۱</sup> گاجوست، گاجو بیدار می‌ماند و از او مراقبت می‌کند تا خوب بخوابد و استراحت کند، اما همین که بیدار شد و در آغوش مادر جای گرفت، گاجو هم با خیال راحت به استراحت می‌پردازد و خواب می‌رود و در چنین شرایطی اگر شخصی گاجو را بجناباند و بادش بدهد، گاجو هم از خواب می‌پرد و استراحتش به هم می‌خورد و در نتیجه تکان‌ها و بادها را به بچه منتقل می‌کند تا به او بفهماند که چه بلایی به سرش آورده‌اند، اینجاست که نفخ و پیچش در دل و روده نوزاد جمع می‌شود و از درد بی‌تابش می‌کند و بزرگ‌ترها را به دواکاری وامی‌دارد. یکی افتنگو کلپوره<sup>۲</sup> را در حلقش می‌چکاند. دیگری نبات داغ خاکشی می‌دهد، یک نفر، دشتی<sup>۳</sup> با گفتن عبارت «اسپند سر کوهی، اسپند بُن کوهی، چشم زخمِ بگردونی، سر سیاه دندون سفید هر که چشم کرده چشمش به نمک، نمک به آتش هر که دل کرده دلش به نمک، نمک به آتش» دور سرش می‌گرداند و نفر بعدی او را به شکم روی زانوانش می‌اندازد و با ملایمت به پشتش می‌زند تا ارکس بکند<sup>۴</sup> و سبک شود و بالاخره بادها از دل و روده نوازد کنده می‌شوند و حالش جا می‌آید. در این مرحله، نگاه خسته و خواب‌آلودش را

۱. آغوش، دامان

۲. کلپوره یا مریم‌گلی در دوران زایمان استفاده زیادی دارد، مقداری از آن را هفت مرتبه می‌شویند تا سم و زهرش تمام شود، سپس در پارچه کوچک و نازکی می‌گذارند و گره می‌زنند و در استکانی که تا نیمه آب جوشیده دارد، قرار می‌دهند. به این بسته افتنگو کلپوره گویند و قطرات آب تلخی که هنگام فشردن افتنگو در حلق نوزاد می‌چکد، چکیده کلپوره نام دارد.

۳. اسپند

۴. orkas bekenad: آروغ بزند



## گاچو؛ گهواره سنتی سیرجان ❖ ۱۹۵

به مادر می‌دوزد و با زبان بی‌زبانی از او گاچو را می‌خواهد تا در آغوشش آرام گیرد و با حرکات ملایم و یکنواختش به خواب عمیق فرو رود. اما سیرجانی‌های قدیم درخصوص پیوند عاطفی و احساسی گاچو و بچه باور دیگری هم داشتند و به شدت به آن پایبند بودند. آنان می‌گفتند: همین که بچه در معرض بیماری قرار گیرد، گاچو به ناله می‌افتد؛ بدین معنی که از تکان خوردن و حرکات گاچو صدایی ناله مانند بلند می‌شود و در نتیجه خانواده را مضطرب می‌کند، به گونه‌ای که مادر هراسان می‌شود و گاچو را از حرکت باز می‌دارد و مشغول معاینه می‌شود، ابتدا دستش را روی پیشانی و سپس کف پاها و دست‌ها و در آخر روی شکم و کمر بچه می‌گذارد و حرارت بدنش را می‌سنجد. آنگاه قوایه<sup>۱</sup> را بازرسی می‌کند تا از وضعیت مزاجی‌اش مطمئن شود و در آخر برای اینکه از سلامت و هشیاری کامل او اطمینان حاصل کند، با گفتن بسم‌الله نوزاد را پهلو به پهلو می‌کند و این عمل مثل همیشه با ظرافت و آهستگی انجام نمی‌شود و قدری ناشیانه و ناهنجار است، چرا که قصد مادر بیدار کردن بچه و حتی گریاندن اوست و این گریه نشانه سلامت کامل و جسمانی فرزند است و مادر را شاد می‌کند. مادر به شکرانه سلامت فرزند صدقه می‌دهد و خدا را سپاس می‌گوید، سپس به طناب‌های گاچو ور می‌رود و چنگک را به جا می‌کند تا ناله گاچو را بگیرد و صدای دلخراش را خاموش کند؛ حال اگر رفع ناله شود که چه بهتر، در غیر این صورت اضطراب و نگرانی از دل مادر نمی‌رود و از تصور دیدن فرزندش در بستر بیماری خواب و خوراک ندارد.

هر چند گاچو نسل‌هایی را در خود می‌پروراند و از خانه‌ای به خانه دیگر می‌رفت، اما مالک اصلی آن همان شخص بود که این وسیله به نام او و برای او تهیه شده بود. بنابراین، هر کجا می‌رفت باز به خانه صاحبش برمی‌گشت و در کنار سایر وسایل موروثی و یادگارهای خانوادگی می‌ماند تا سرنوشتش مشخص شود؛ سرنوشتی که به کیفیت گاچو بستگی داشت؛ اگر فرشش نفیس و ارزشمند بود که هرگز به غریبه بخشیده نمی‌شد و مورد معامله قرار نمی‌گرفت و با دقت و ظرافت از چرم‌دوزی جدا

---

۱. qavâyeh: کهنه

## ۱۹۶ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

می‌شد و در محفظه یا قابی جای می‌گرفت و دیواری را زینت می‌بخشید، در غیر این صورت فرقی با سایر وسایل کهنه و فرسوده نداشت و پس از سال‌ها استفاده، مانند جلی کهنه و بی‌ارزش به گوشه‌ای پرتاب می‌شد تا همراه آشغال‌ها بسوزد و نابود شود. گفتنی است در صورت فوت نوزاد، لکهٔ بدقدمی و بدشگونی به گاجو می‌چسبید و از رده خارج می‌شد، در این صورت بخشیدن آن اشکالی نداشت، هر چند که با هزینه‌ای سنگین تهیه شده بود.

تهیه یک گاجوی محکم، نفیس و ماندنی به هزینه‌ای نیاز داشت که هر کس از عهده پرداخت آن بر نمی‌آمد و از آنجا که هر نوزادی به این بستر آرام نیازمند بود و هر خانواده‌ای می‌بایست گاجویی برای استراحت فرزندان داشته باشد، بنابراین گاجوهایی با پارچه‌های مختلف و بافت‌های گوناگون هم تهیه می‌شد که به نسبت، هزینه کمتری به تهیه‌کننده تحمیل می‌کرد، ضمن اینکه از استحکام، مرغوبیت و ماندگاری لازم نیز برخوردار نبود. با این تفصیلات بعضی خانواده‌ها گلیم، جاجیم، پتو، پارچه‌های ضخیم نخ‌ی به نام گُرگُر، همچنین مخمل‌های ضخیم و چند لایه را برای کوش گاجو انتخاب می‌کردند. در حاشیه‌دوزی این گونه گاجوها، معمولاً از چرم استفاده نمی‌شد و چوبش نیز به مراتب نامرغوب‌تر از چوب صندل و کهور و سایر چوب‌های محکم و مقاوم بود. اما همه گاجوها با هر کیفیت از مرتبه و جایگاه ویژه خود برخوردار بودند و عقاید باورها، آیین‌ها و مراسم خاص خود را داشتند.

گاجو در حال حاضر به عنوان وسیله‌ای قدیمی و ارثیه‌ای خانوادگی در بعضی از منازل دیده می‌شود، ولی به‌ندرت مورد استفاده قرار می‌گیرد. به این دلیل که شرایط بستن گاجو در خانه‌های امروزی مهیا نیست و دیوارهای تیغه‌ای و آجرهای نازک هرگز توان مقاومت تخته‌حلقه‌ها و حرکات گاجو را ندارند. قدیمی‌ها در اتاق‌های تابستانی و زمستانی و حتی کریاس<sup>۱</sup> و دالان‌خانه نیز از نصب تخته‌حلقه صرف نظر نمی‌کردند و برای تمام فصول سال مکان مناسبی برای بستن گاجو در نظر می‌گرفتند تا بچه به آرامی بخوابد و از خوابش لذت ببرد.

۱. keryâs: هشتی

## تصویر ۲. گاجوی افراد تهیدست



(منبع: نگارنده)

در گذشته آویختن انواع مهره‌های چشم‌زخم، اسپند، نمک و زاج بر قسمتی از گاجو به گونه‌ای که در معرض دید باشد، متداول بود و این آویزه‌ها معمولاً از سوی افرادی خوش سلیقه تهیه می‌شدند و از زیبایی و ظرافت خاص بهره داشتند. بعضی از این آویزه‌ها کار دست زنان کولی بود و در کوچ و بازار به فروش می‌رسید. به این آویزه‌ها، زاغ نمکو می‌گفتند. زاغ نمکو عبارت بود از یک قطعه زاج و تکه‌ای نمک و یک عدد مهره آبی‌رنگ معروف به مهره سبزو که به طور نامنظم و ناهماهنگ به بند کشیده بودند و برای رفع چشم‌زخم در دسترس مشتریان قرار می‌دادند و چه بسا مادرانی که این رشته دراز و بدقواره را به سرشانه یا پیش کلاه بچه می‌آویختند و با همین هیبت او را به مهمانی یا کوچ و بازار می‌بردند و اطمینان داشتند که مورد چشم‌زخم قرار نمی‌گیرد. در برابر این کاردستی کولی‌ها، آویزه‌هایی هم به چشم می‌خورد که از مهره‌های قیمتی با تزئینات طلا و مروارید تهیه شده بود و نه تنها بر گاجو، بلکه بر بند سارغ<sup>۱</sup>، سرشانه و

۱. قنطاق

## ۱۹۸ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

جلوی کلاه یا تاجی که سر بچه بود، آویزان می‌شد. قدیمی‌ها آویختن مهره چشم<sup>۱</sup>، باباغوری<sup>۲</sup>، مهره سبز<sup>۳</sup> و همچنین سنگ یشم را ضد چشم زخم می‌دانستند و بر این باور بودند که اجسام مذکور مانع از تأثیر چشم و نظر می‌شوند و در نتیجه آن شخص و شیء، مورد چشم‌زخم قرار نمی‌گیرند و در اصطلاح نظر نمی‌خورند. امروزه هم این اعتقادات پا برجاست و انواع و اقسام آویزه‌ها و مهره‌های چشم‌زخم در فروشگاه‌های صنایع دستی به چشم می‌خورد، ضمن اینکه معدودی از کولی‌ها در بازار قدیم شهر چنین مصنوعات را ارائه می‌دهند.

### اصطلاحات و کنایات در مورد گاچو

- یه چیز ی بده بلمبونم، گاچو بچته بجمبونم.  
(یک خوراکی بده تا بخورم و گهواره بچه‌ات را تکان دهم).  
- حیف از بیدار خوابی که پا گاچوت کشیدم.  
(مادر رنجیده خطاب به فرزند حق‌ناشناسش می‌گوید: حیف از شب‌هایی که کنار گهواره‌ات بی‌خوابی کشیدم).  
- شبا تا صاب گاچوت جمبوندم که راحت بخوابی.  
(شب‌ها تا صبح گهواره‌ات را جنباندم تا راحت بخوابی).  
هنوز تو گاچو بودی. (کنایه از دوران بچگی شخص است).  
حدود نیم قرن است که نام گاچو از فهرست سیسمونی نوزادان خط خورده و جایش را به گهواره داده است. گهواره‌های متفاوت و مختلف که هر روز شکل و شمایل عوض می‌کنند و با طرحی نو و تازه به بازار می‌آیند تا بنا به ذوق و سلیقه مادران خریداری شوند و در گوشه‌ای از اتاق نوزاد قرار گیرند.

۱. مهره‌ای سیاه با خال‌های سفید

۲. مهره‌ای شبیه چشم که لکه‌ای سفید - سیاهی آن را پوشانده است.

۳. سنگی آهکی و آبی‌رنگ به اندازه یک سکه ۲ ریالی اما قطورتر

### جمع‌بندی

گاچو در اصطلاح مردم سیرجان همان گهواره نوزاد است. از دیرباز، گهواره‌ها به شکل‌های مختلفی ساخته می‌شدند و نوزادان در درون آنها آرام می‌گرفتند. شکل و شیوه ساخت گهواره‌ها گاهی در برخی نقاط متفاوت بود و این تفاوت به آنها تنوع می‌بخشید. وجود لوازم و وسایل در دسترس، الزامات اقلیمی را بر ساخت گهواره‌ها حاکم می‌کرد. علاوه بر ویژگی‌های کالبدی، شرایط اقتصادی خانواده‌ها نیز در نوع استفاده از مواد به کار رفته، اهمیت داشت. در سیرجان، ساخت گاچو مخصوص فرزند اول، از جمله موارد ضروری برای تهیه سیسمونی بود. خانواده‌ها با توجه به شرایط اقتصادی، ساخت گهواره برای نوزاد را سفارش می‌دادند و این سفارش شامل آدابی همچون خرید وسایل، انتخاب سازنده و سایر موارد می‌شد. در گذشته، مادران با استفاده از این وسیله می‌توانستند با خیال راحت کودک را به گهواره بسپارند و مشغول فعالیت‌های روزمره خود شوند. یکی از آداب استفاده از گهواره نیز خواندن انواع لالایی‌ها برای کودکان بود که به انواع آنها در مقاله پرداخته شد.

### منابع

- یافته‌های این مقاله حاصل مشاهده مشارکتی نگارنده است.



## **Gachoo: A Traditional Cot in Sirjan**

**Mehri Moayed Mohseni<sup>1</sup>**

### **Abstract**

In the past, cots were indispensable tools of child-raising. On the one hand, busy mothers who had to work long hours and, on the other, the need for a safe and peaceful place for little kids made the presence of this tool necessary. These tools, offering the safest and most peaceful existence to children after the mothers' arms, have different names in different places. In Sirjan, they are called gachoo and were quite important to its people. Making a cot and methods of using them and taking care of a cot after the child would grow up all were done with especial rituals. The process of making a gachoo depended on the economic powers of the family which would determine the material used in making it and its quality.

In this article, data are collected through collaborative observation and field study and the writer deals with the way a gachoo is made, and the existing oral literature that exist round this object. The results would indicate that the rituals of gachooabandon was performed quite seriously for the firstborn after ten days of the child's birth, and other children would also have a gachooabandon ceremony. Besides, there used to be an emotional relation between the child and the gachoo. Nowadays, old gachooos are used as decorations.

**Keywords: Cot, Gachoo, Gachooabandon, Sirjan folklore, Oral literature of Sirjan.**

---

1. Assistant cultural researcher of Sirjan, retired teacher, Email:  
mehri\_moayed\_mohseni@yahoo.com

## Ramadan as narrated by People of Hormozgan

Ali Mohsenizadeh<sup>1</sup>

Hamid Eslami Dehvasati<sup>2</sup>

Sara Sadeghi<sup>3</sup>

Ruhangiz Vaziri<sup>4</sup>

### Abstract

Ramadan rituals are regarded by Muslims as highly respectable. Everywhere, the rituals of Ramadan start a couple of days before the moon crescent is observed in the sky – new moon sighting - and continues to Eid Al-Fitr. Many of Ramadan rituals are the same among Shiites and Sunnis in Hormozgan and they perform the rituals side by side. Preparing for Ramadan starts at mid Shaaban. These rituals include paying Zakat, baking bread and cookies, flouring wheat, cleansing mosques and houses. Three days before Ramadan starts, people welcome the holy month by fasting. New moon sighting has also especial rituals among Shiites and Sunnis. In the past, the dawn was announced using specific methods. In this article, rituals round *Suhur* (pre-dawn meal), *Iftar* (evening meal), child fasting, treating the person who fasts, setting up sessions for complete reading of the Quran, rituals of *Ahya* vigil nights, rituals for the martyrdom of Imam Ali, Eid of the dead, and saying adieu to the month of Ramadan are discussed. Moreover, Sabriah fasting, which is six days after Eid Al-Fitr, is performed by both Shiites and Sunnis. The data used in this article has been collected through

---

1. assistant cultural researcher of Bandar Lengeh

2. assistant cultural researcher of Minab

3. assistant cultural researcher of Bandar Lengeh -Kish

4. MA in teaching Persian to non-Persian Speakers, (corresponding author). Email: raheleh504@gmail.com



## ۲۰۳ ❖ Abstracts

collaborative observations and include field study managed and organized by assistant cultural researchers.

**Keywords: Ramadan in Bandar Lengeh, Ramadan in Minab, Ramadan in Kish, Ramadan in Hormozgan, Sabriah fasting.**

## A Review of “Eid Al-Fitr” Rituals among Muslims

Seyyed Alireza Hashemi<sup>1</sup>

### Abstract

Eid Al-Fitr is a holiday Muslims celebrate after the month of Ramadan ends and the month of Shawwal begins. This day is a holiday in all Islamic countries, and all Muslims around the world celebrate it by performing certain religious rituals. Fasting on this day is religiously forbidden (Haraam). Muslims perform the Eid prayer and pay Zakat Al-Fitreh which is a religious obligation. In all Iranian towns and villages, Eid Al-Fitr is jubilant and auspicious and Muslims say their Eid prayers and celebrate the day by performing especial rituals. This study has been carried out based on documentary and library research and deals with the history of this day, ways and modes of performing rituals, saying Eid prayers, and paying Zakat Al-Fitreh and other customs related to it. At the end, there is a brief review of the places in which this ritual is performed.

**Keywords:** Ramadan, Zakat Al-Fitreh, Eid Al-Fitr, Alvida', Eid Al-Fitr prayer, chief Muslim Eid

---

1. PhD in folklore and researcher of folklore, Email: 400hashemi@gmail.com

## ***Harim and Mahramiat (Privacy and Legal Intimacy) in Traditional Iranian Houses***

**Shahrzad Doosti<sup>1</sup>**

### **Abstract**

Home is a holy territory and the center of familial unanimity. It is also a haven and the major dwelling place of the family members. In the past, houses not only served to procure a living space, but also they safeguarded the private territory of the family. As a result, all the elements of a traditional Iranian house were constructed based on a predetermined and rigid philosophy that governed moral, religious and cultural concerns, protecting the family from being seen or heard of. The writer of this article employs an analytical-descriptive method alongside library research. The findings of this article demonstrate that architecture of traditional houses was motivated by a desire to reflect and express cultural and religious beliefs of people and in this way to affect and control their behavior. Hence, content always had a transcendental significance for people. So structure gave shape to content in accordance with essential characteristics of humanity as a method to guarantee the family members' peace of mind. A widely noticed characteristic of these architectural sites was their introversion, which was heavily emphasized due to cultural and ethnic tendencies and the importance of the inside and the private among Iranians. The structures of these houses closely observe the issues of privacy and legal intimacy. Accordingly, legal intimacy necessitated a hierarchical establishment of rooms as sites of intimacy. Therefore, all the rooms followed the same architectural

---

1. MA in research in Social sciences, researcher at folk lore division of, IRIB, Email: doosti43@gmail.com